

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی حضرت حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای کروی دامت توفیقاته

باعرض سلام و آرزوی توفیق برای آن جناب، سخنرانی پیش از دستور جناب عالی در مورخ ۱۹ آبان ۱۳۵۸ در مجلس را ملاحظه کردم به پاس محبت‌های بی دریغ جناب عالی که همواره شامل حال اینجانب بوده بر آن شدم از باب ارادت خالصانه و محبت غیرخواهانه که بی شک از مصادیق «النصيحة لأئمة المسلمين» است نکاتی چند را تذکر دهم تا شاید مسئولیت خود را در مقابل نظام برآمده از صدها هزار شهید تاریخ تشیع ایفا کرده باشم.

جناب آقای کروی!

شاید من هم مانند حضرت عالی به صدور چنین حکمی در مورد عضو گروهک نبوی متفقد باشم و این انتقاد حق هر فرد مسلمانی است؛ اما هیچ کس را شایسته توهین به حکم یک قاضی نیست. چه اینکه شخصیت جناب عالی تنها یک شخصیت حقیقی نیست، بلکه در رأس یکی از قوای سه گانه نظام اسلامی ایران قرار دارید و مسئولیتی مضاعف متوجه حضرت عالی است. اگر جناب عالی حکم قاضی را «تنگین» نمی‌خواندید و از آن «ابراز انزجار و تنفر» نمی‌کردید، نماینده گستاخ مجلس، قوه قضائیه را به «مافیاء» موصوف نمی‌کرد. راستی جناب عالی که در مورد مجلس آن چنان تعمیسی دارید که صحبت انتقادی معاون قوه قضائیه را بر نمی‌تابید و از رئیس قوه قضائیه می‌خواهید که «آن را اصلاح کند» و نوار آن را برای بررسی نزد مجلس ارسال نماید، چگونه اینگونه احکام قضائی را مورد حمله و توهین قرار می‌دهید؟

انتقاد برای اصلاح حکومت لازم و ضروری است ولی انتقام برای کسانی که خود باید الگوی رفتار مردم باشند، شایسته نیست.

جناب عالی یکی از سه رکنی هستید که بخشی از ساختار و سازمان نظام اسلامی را باید مدیریت و هدایت کند و آیندگان نیز از تجربیات شما استفاده کنند و این احتیاج به متانت، آرامش و سکینه دارد. چگونه ممکن است ناخندای این کشتی متلاطم و طوفانی خود آشفته و نابردبار و عصبانی باشد و کشتی را سالم به ساحل برساند و حضرت عالی بارها نشان داده‌اید که در بحران‌ها آرامش خود را از دست می‌دهید. از شما می‌خواهم که نشان دهید می‌توانید در بحران‌ها نیز با متانت مدیریت کنید.

جناب آقای کروی!

با کمال تأسف باید بگویم که بعضی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به نوعی اشرافیت و تفرعن مبتلا شده‌اند که خود را از شرفایی می‌دانند که همگان مأمور هستند تا در مقابلشان سر تعظیم فرود آورند و به خود حق می‌دهند دیگران را مورد توهین و تحقیر قرار دهند، ولی هیچکس را اجازه انتقاد از آنان نباشد.

اگر حضرت امام مجلس را در رأس امور قرار داده‌اند، باید پرسید کدامین مجلس در رأس امور است؟ آیا مجلسی که نه حرمت اشخاص را نگه می‌دارد و نه حرمت ارکان نظام را؟ این نص صریح حضرت امام (رض) است که فرمودند: «در نطق‌های قبل از دستور و غیر آن به شخصیت و اعتبار نمایندگی مجلس توجه کنند و حرمت مجلس و نظام و اخلاق کربیمه اسلامی را مقدم دارند و خلاصه کلام این که مجلس و نمایندگان باید مؤید وحدت و انسجام جامعه باشند.»^{۳۱}

آیا به راستی این مجلس حرمت نظام را حفظ می‌کند و اخلاق کربیمه اسلامی را بر همه چیز مقدم می‌دارد؟ و آیا مجلسی است که مؤید وحدت و انسجام جامعه است؟

راستی چرا چند روزی که مجلس تعطیل می‌شود در جامعه احساس آرامش و وحدت می‌شود و هنگامی که شروع به کار می‌کند تشنج جامعه را فرا می‌گیرد؟ «فَإِنَّ تَذْهِيبَهُ»^{۳۲} و باید چشم امید به شما دوخت که «الم یان للذین امنوا ان تفتح قلوبهم للذکر الله»^{۳۳}

و اجازه دهید فرایز دیگری از کلام حضرت امام (رض) در مورد نگهداری حرمت اشخاص حقیقی و حقوقی توسط نمایندگان مجلس را بیاورم. «از امور لازم التذکر راجع به نطق‌ها قبل از دستور این است چه بسا که ناطق احیاناً گمان کند بی قید و شرط و بی تمهید و تکلیف باید هر چه بخواهد بگوید و به هر کس چه حاضر جلسه چه هائب می‌تواند به اصطلاح حمله کند و میزانی الهی و شرعی و اخلاقی در کار نیست و مسئولیتی حتی شرعی ندارد... اگر به کسی چه از دولتی‌ها یا دیگران تهمتی زده شد حق شکایت به قوه قضائیه را دارد تا رسیدگی شود و مجرم تعقیب و تمیز شود»^{۳۴}

اما باید بگویم با کمال تأسف این مجلس خود را بالاتر از این می‌داند که کسی جرأت حق‌خواهی و دادگری را بنماید، چون خود را مصون از هر خطایی و بالاتر از هر مسئولیتی می‌داند.

این مجلس به مصداق شریفه «نَوْمَنَ بِيَمْنٍ وَتَكْفُرَ بِيَمْنٍ» می‌خواهد هم از منافع عنوان پیروی از خط امام بهره‌مند باشد و هم از هر لحاظ خود را آزاد و بی تمهید بداند، لذا تنها به قسمتی از کلمات امام (رض) ایمان می‌آورد و به اصول دیگر روح کلامش بی‌اعتنایی می‌کند.

آیا واقعا' باور دارید که حضرت امام مجلسی را در رأس امور خواندند که نمایندگانش آن نامه عزت شکن و

۱. صفحه ۲۰ ج ۲ ص ۲۱۵.

۲. کتوبر، ۲۶، پس به کما می‌رسد؟

۳. حدیث ۱۶۰، آیا وقت آن رسیده که کسی که ایمان آورده و ایمان باطله خدا خلع شود؟

۴- سینه چهارم، ج ۱۸، ص ۶۷۷

چاپ‌لوسانه را به جک استراو وزیر امور خارجه انگلیس نوشت؟ به راستی اگر امام راحل حضور داشت چه موضعی در مقابل این مجلس ساکت در برابر این عمل حقیرانه از خود نشان می‌دادند؟

چرا راه دور برویم و از امام استعلام بطلبیم؟ بهتر است بگوییم اگر آن غیرت انقلابی قبل از دوم خرداد را داشتیم در مقابل این عمل ذلت بار چه عکس العملی نشان می‌دادیم؟ به یاد داریم که چند روز قبل از دوم خرداد ۱۳۷۶ یکی از نمایندگان متسبب به جناح راست ملاقاتی با براون یکی از دیپلمات‌های وزارت خارجه انگلیس به عمل آورد. این واقعه چونان جنایتی هولناک ما و شما را وادار به موضع‌گیری کرد. جناح چپ بی‌تابانه صادر کرد، متبرها رفتند و مصاحبه‌ها بر پا کردند و چنان راست گرایان را زیر شلاق نقد به محاکمه کشیدند که مجال دفاع نیز از آنان سلب شد و اینک در مقابل این عمل زشت نماینده مجلس نه آهی از چپ گرایان برمی‌آید و نه فریادی از راست گرایان و نه حضرت عالی که همیشه به عنوان یکی از رهروان خط امام از خود حساسیت نشان داده‌اید، بر این عمل تنگین می‌آشوبید.

جنتاب آقای کروی

حضرت عالی حکم دادگاه را «تنگین» خواندید و بعضی نمایندگان نیز با الفاظ توهین آمیز از آن یاد کردند. راستی چه حالی خواهید شد که همین برخورد را قضات با مجلس بکنند و اگر فرضاً نسبت به مصوبه‌ای انتقاد داشته باشند آن را «مصوبه تنگین مجلس شورای اسلامی» بشمارند؟ آیا شما و نمایندگان فریاد بر نمی‌آید که مسلمانی نیست؟

اجازه دهید به قسمتی از پیام حکیمانه حضرت امام در مورد احترام به قوه قضائیه و احکام قضات را برای شما و نمایندگان نقل کنم تا خود نسبت به رفتار آنان قضاوت کنید: حضرت امام در این پیام فرمودند: «باید بدانند که احکام صادره از قضات شرعی مادامی که خلاف شرع بودن آن در محاکم و مراجع صالحه ثابت نشده واجب العمل است. مجلات و روزنامه‌ها و رسانه‌های گروهی توجه داشته باشند که تضعیف قوه قضائیه بر خلاف موازین اسلامی است و از پخش چیزهایی که موجب تضعیف قوه قضائیه بر خلاف موازین اسلامی است و از پخش چیزهایی که موجب تضعیف یا توهین مقام قضاست، احتراز کنند»^(۱) راستی اگر امام زنده بود و نطق جناب عالی و نطق بسیار زنده آقای لقمانیان را می‌شنید چه عکس العملی نشان می‌داد؟

من وقتی سوابق جناح چپ را که امروز ژست اصلاح طلبی به خود گرفته‌اند مرور می‌کنم فرق تعجب می‌شوم. شاید به یاد داشته باشید که شیخ علی نهرانی پس از تبلیغات فراوان علیه نظام اسلامی و توهین بی حساب علیه پیشوای بزرگ انقلاب خود را به پاسگاه مرزی معرفی کرد، در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه و به زندان محکوم شد. (۱۸ خرداد ۱۳۸۲) ۲۳

گرمیدم. من نیز قاضی پرونده بودم. هرگز فراموش نمی‌کنم که بچقدر از ناحیه دوستان چپ گرای شما مورد انتقاد قرار گرفتم که چرا وی را به اعدام محکوم نکردیم و حتماً حضرت عالی به یاد دارید که یکی از متسین به مجمع روحانیون با انتشار اعلامیه‌ای اعتراض‌آمیز به این حکم، فتوای قتل شیخ علی را صادر کرد. همه سخن این بود که شیخ علی به حضرت امام توهین کرده است و راست می‌گفتند. حال شما را چه شده است که در مقابل کسی که مقدمات اسلام و تشیع را که او ساختگی می‌داند و به استهزاء می‌کشد همگان به حمایت او برخاسته‌اید؟

و تعجب از کسانی که خواهان برخورد قاطع قوه قضائیه بودند و اینکه چنان مرحوب فضای گروهک نبوی شدند که دم بر نمی‌آرند.

جناب آقای کروی!

اجازه دهید قبلاً نظر خود را نسبت به این حکم اظهار کنم. گر چه شکی در توهین بودن و استهزاء مقدمات اسلام توسط آقای نیست ولی در اینکه آیا او به انکار یک ضروری اسلام از روی علم پرداخته و استهزاء او مصلحت سب الاثمه هست یا نه جای شبهه است و اصل «الحدود تُدرا» بالشبهات» بر اصدار حد شرعی حکومت دارد؛ اما قانون برای اعتراض بر این حکم راه گذاشته است، یا باید متهم اعتراض کند یا دادستان کل می‌تواند از قوانین موجود استفاده کند و پرونده را برای رسیدگی در دیوان عالی کشور مطرح کند؟

از جناب عالی انتظار می‌رفت بجای نحت تأثیر گروهک غیر مشروع نبوی قرار گرفتن که برای رسیدن به قدرت تصمیم گرفته است مملکت را به آتش فتنه و نفاق گرفتار کند - راههای قانونی را به جای توهین در پیش می‌گرفتید. البته باید این انتقاد را بر مدیریت قوه قضائیه وارد دانست که چرا احکامی را که جز فحاشی استکبار جهانی و نفاق داخلی و انتقاد دوستان را به دنبال ندارد و اجرا نمی‌شود صادر می‌کند و اگر حکمی را به حق می‌داند چرا عقب نشینی می‌کند آیا این روش چیزی جز تضعیف قوه قضائیه را به دنبال خواهد داشت؟

نکته‌ای که جای تأسف بسیار دارد این است که انتقاد حضرت عالی از قوه قضاییه تداعی حمایت از آغاچری رامی کند و این بسیار غم‌انگیز است!

چگونه ممکن است یک روحانی که گوشت و پوست او، شخصیت و هستی او ارزش و احترام او به خاطر اسلام و تشیع است از انسان‌هایی که حرمت این دو عزیز را پاس نداشته حمایت کند؟ چگونه به خود اجازه می‌دهد وارد بازی سیاسی شود که می‌خواهد از یک موجود بی‌مقدار و بی‌ادب یک قهرمان بسازد؟ او که خود مصداق تقلید ناآگاهانه و سطحی از بزرگانی چون شریعتی است، تقلید را که یک اصل پذیرفته شده شیعی است عملی می‌مون و از معرفی می‌کند و مارکسیست‌تر از مارکس دین را الهیون توده‌ها و دولت‌ها می‌داند؟

جناب آقای کروی ۱

چند روز پیش دیدید که دو نماینده در یک سانحه جان به جان آفرین تسلیم و با اعمال خود در محضر خداوند وفود کردند و این نشان از بی‌ارزشی دنیا است.

به خدا سوگند اگر ما روی اصولمان پای فشاریم و به شکست مبتلا شویم صد بار برتر از پیروزی است که با تسامح بر سر ارزش‌های خود بدست آوریم. حتی اگر نظام ما با اصرار بر اصول خود ساقط شود بسیار عزتمندانه‌تر از ادامه حکومت با عقب نشینی از اصول اسلامی است. به خدا سوگند اگر به خاطر پایبندی به ارزش‌ها، جنازه گندیده‌امان را از انزوا بیرون کشند صدها برابر ارزشمندتر از این است که با پاپمال کردن یک اصل بر کرسی صدارت و وکالت و ریاست بنشینیم.

جناب آقای کروی ۱

چه زود اندیشه‌ها و منش‌های امام را فراموش کرده‌ایم! چه زود حساسیت‌های امام را به خاک سپرده‌ایم. اگر شخصیت‌هایی چون جناب عالی در برافراشتن پرچم غیرت دینی جهاد نکنند؟ پس از چه کسانی این امید می‌رود؟

آیا فراموش کرده‌اید که هنگامی که بچه‌های مذهبی به مکتبی شهرت پیدا کردند و منافقان، مکتبی بودن را به استهزاء گرفتند امام چه عکس‌العملی نشان داد؟ امام فرمودند: «تا نگفته می‌شود مکتبی آقایان مسخره می‌کنند، مکتبی یعنی اسلامی. آن که مکتبی را مسخره می‌کند اسلام را مسخره می‌کند. اگر متعهد باشد، مرتد فطری است و زنش پرایش حرام است، مالش هم باید به ورثه داده بشود. خودش هم باید مقتول باشد.»^(۱)

آیا استهزاء آغاچری نسبت به تولدنامه قباحتی کمتر از استهزاء «مکتبی» دارد؟

جناب آقای کروی ۱

جناب عالی حکم اعدام آغا جری را ننگین می خوانید حتماً متن سخنان توهین آمیز وی را نیز ملاحظه فرمودید و الا اینقدر صریح موضع گیری نمی کردید. حال اجازه بدهید داستانی را به یاد شما بیاورم که امام بزرگوار در مقابل آن چه موضعی گرفتند. در ۱۳۶۷/۱۱/۸ وقتی خیرنکار وادیو از خانمی پرسید الگوی شما چیست؟ گفت اوشین. در مورد فاطمه زهرا سلام اله علیها پرسید. او گفت فاطمه زهرا(س) نمی تواند برای من الگو باشد؛ او متعلق به ۱۲۰۰ سال قبل است. پس از اینکه این مصاحبه از رادیو پخش شد، آن مظهر غیرت دینی، آن تبلور غیرت علوی و آن تجسم غیرت حسینی بر آشفتند و طی نامه ای به مدیر عامل صدا و سیما نوشتند که:

۴۱. محمیه ۱۴۰۰، ج ۱۴، ص ۳۷

«با کمال تأسف و تأثر روز گذشته (روز شنبه ۸ بهمن) از صدای جمهوری اسلامی مطلبی در مورد الگوی زن پخش گردیده است که انسان شرم دارد بازگو نماید. فردی که این مطلب را پخش کرده است تعزیر و اخراج می گردد و دست اندرکاران آن تعزیر خواهند شد. در صورتی که ثابت شود قصد توهین در کار بوده است بلاشک فرد توهین کننده محکوم به اعدام است.»^{۴۱}

جناب آقای کروی!

آیا وقت آن نرسیده تا در ادامه راهی که دشمنان انقلاب و امام آن را مورد حمایت قرار دادمانند تجدید نظر کنیم؟ آیا وقت آن نرسیده میز مذاکره فروش اصولمان به بیگانهگان را به هم بریزیم و به آغوش ارزشهای امام بازگشت کنیم؟

شما به خود حکومت های غربی بنگرید که چگونه بر اصول غیر خدایی پای می فشارند و در مقابل چشم همه انسان ها دختران مسلمان را به خاطر حجاب، از درس خواندن که جزء حقوق هر انسانی است محروم می کنند. شما به همین جریان اخیر فکر کنید چگونه حکومت های غربی و رسانه های ضد انقلاب و منافقین داخلی و شیفتگان غرب یک صدا علیه نظام اسلامی به پا خاستند و نه علیه قوه قضائیه که علیه کل نظام به تکاپو افتادند، و دیدید آن چهره مطرود امام که قتل آیت اله شمس آبادی را به دلیل غیر انقلابی توجیه می کرد، اکنون دست های خونین خود را به حمایت از آغا جری از آستین بیرون آورده است.

اکنون با الطاف خداوندی گروهک نامشروع نبوی چهره از نقاب خود بر می کشد و به زودی راه سلف خود را در رویارویی با نظام اسلامی در پیش خواهد گرفت و شما این واقعه حتمی را به تأخیر نیفتانید و پلی برای عبور اینان نگردید، و خود را شریک نهاجم این گروهک بر دژهای نظام اسلامی نکنید و بدانید به زودی خورشید حق از شفق بر خواهد تابید و شب فتنه انگیز را به عقب خواهد راند. البس الصبح بهر یب؟

روح اله حسینیان
۸۱/۸/۲۵